

یادداشت‌های زندان

- 1 -

اسیمیر ان خال

۲۷۰

ل گشته بس از آنکه بر روی مالکت باخته خانه خود از مردم
احد جاهان شروع کرد و در آن خانه گیری نموده از اراضی
صلاح داشت راه رفته به سرمهای این داری و این راه خوش نام داشت
درین صد عده شاهزادی از کوه بیان چین سو و کرد که بر روی
ج امامه و از من بهاده مبارک گلکوه های اورانگ مدنیه های
بر روی موادی



دو گنبد معلمی تاریخی خود را از برآمده کرد و باصره ای ای خیر علی طلب
نشانی توپش سرخ و بیرونی ملک و ملکه شکریان هاشمت و ایالات امداده
و همان ملکی احتمالی شیر شوریه که در عنان ملک سعدی را به کسری

و زیر این راه به همه موقت از اردوی ناپیر مکاری مکاری علیان خوش بدهی اعلام بوده
مهماهن فاشست که این مکاری علیان خوش بدهی اعلام بوده
در این مطابق که آن در اینجا از این مکاری علیان خوش بدهی و مکاری علیان مال
احاد شوروده و امدادیان گذشت سوچفت بهایی آشکار و همینا بود انسانی با
ذلترا بذکست نایلیون و لشکر کشی رویه از اینها کن شور و پاره شور و روی
دھوت سود روزی بعثت از اردو و دید و میتوان سوچ معمول شور و پاره شور و روی
کار و کار

هر سه وحدتی با همکاری دوست و مددودن حالت ایجاده متفقین و متفق بروز این نتیجه را
از آفراد خودرویی را در این مبارزه بروز نمیبخشد که برای محقق آرمان و مهدی
در گرفته است میتواند

۱- در هر نقطه که از سطح سرخ فر شده مثلاً داشتن باشد مانند آن را میتوان اسید مخصوصی که از سطح سرخ فر شده است با اینجا که ماده حکم و ترتیب را داشته باشد.

نهایی پرسنلیتی مهندس احمد از این دستورات خود را در خارج نماید و از
و رساله اولیه و دکتر ایهود طلاقی و حلاصه آنچه میگذرد است از احمد شرکت
برادران عالمیان شناس فرانکریک و سوئیس و بریتانیا و ایالات متحده آمریکا
صورت یابد که شرکت بهی دیگری متعلق شود آتش زده باشد همچنان که دنبه
آتشی را معمول کند که همان ایجاده ممکن خورد را در خارج نماید.

۴- کاری زبان و مردم شوروی که در آن تعلیم آذوقی سخ جنوبی داشتند، اینها شدند و نامه بایه جنی الدور از آنجا میراث داشتند. سریعی کند و در هر موقع بوسنه هراکتکری ایرانی مفاسد داشتند هادا علم گزارند.

۳- آنکه در مسند مورخ اتفاق نکشند فدر به استعمال اینها
مسند باشد هرورا بجای چهارگانه من (پاریز) را تشكیل داده و دادا از
عیسی بر پیش سهله کنده و دربار قمع و سابل از اینجا و شیخون های دالیم

ای بیرونی همچنین را آشوند شماره ۴
۴- سپاه بخارا و خراسان و سرتی دختران و زنده های مذکوره
رسم شفافی دوباره از دست آن که از دفعه همین جوش سرمه از مردم بهون

۱۴- پایان آنها بروز می شود و در این دستورها درخواست از
شک شورووی را که شوچک نامه ای تجاه میر شوروی عرضی داشت احادی
کامل برای مطالعه متن مبنی عرض می کرد و در این اتفاقه میر شون گرفتار شد
خوبی میتوان سرمه و اسرم دستور داشت تا هات مردانه باشد
آیین آنها بروز می شود از آنها و آزادی داد مردانه باش و شهادت اندیشه که

بروکرین نیوی اچاد و یتکارک از خود شغل داده که ناگفتوان تجارت شر
خانه آفرایش نمکده است روسی و اوگرای و ملوروسی و گرجی و ارمی و
قرآن و هرگز و نیاز و آذریانچه سایر افراد ملل اندیشه هنر و عرفی از اندیشه

وار سیه شو و در مقاله هاشمیت ها سیر شود از آزادی همین مدت خواست
ساختن مشترک خود و سب سوچ دفع تدوین و حفظ شد و مذاکری ارجمند
بروی دادند که همها در تاریخ پیر زبانه مردم گشی خواهد شد .

آنها تکلیف نایابند ایش آنکه در هر وسیله ای شک خود را بگیرد و مخصوصاً موادی که سرمه شده باشند باز هم این مخصوصیت را دارند. این مخصوصیت باید اینجا مذکور شود که سرمه آنهم قابل از جان درخواست مخصوص است. بنوشه

جراستاره توقيف شد

در این چه دور آن را بخواهیم. مطربی، منتظر کن و خواندن گل
گزنه و ملائکه است. و پرورش سازه و ایجاد از جمله بسیار متفکر از
ایجاد مخلوق هست که بازگردانیده شاهد بودند اند.
پس هستند اند که بازگردانیده بودند بودند زیرا در برخان
اگرچه میتوانند صریح بگویند بازگردانیده هستند بودند و بهم
اصفات انسان هستند و وقت اخراج همچنان اخراج دادند شاهد مخلوق هستند.
چون انسان میتواند شگفتگی اند و ای میتوانند توقیف شمار مغضوب و عورت
که این داده اند. از همین این دست این سیار بودند از این چهارچهار هست
دانند که مخلوقون شهادتی و فرمایشی خاصی نمی داشتند و زیرا همچنان
هوای این دنیا.

پس از این همه ایام سایر آنها از مردم هشت بودند بر ایصالع
و هزار هم میتوانند مکونه هستند و دیگر کسانی میباشند و حرام ۱۱۱
احمد بن مکنی - حدیث روزه زده بیویه سازه

ن در اینست چون گز مرده
هوا را بادی آشیان و طبع امانت
هر یکی - علی همه تو زدن
که کل است دست و دری تو کشی
روز چنگی این احصار این
سال مقدمه و سرمه
برادران میگویی هزاری بر فراز
امانت خود را بخوبیت
آن هرمه شد همچنان را بهم پیش بینی
نهادند
علف و اند شد و موادی را که با موی هزاران منابع موده بود
دو باغت ساری از ترک نمود
زمغان و سوس و صربات صافه آسای از لش سرچ و پان تفت میباشند
ی و شنی و ازد کرد سه هیئت در هنین شهر خواه هرور داعر این
دری افراد گردیدند در آن هنین و نیک صفت از اندود دهن غصه

کر چه هنوز پر چم سرخ بر فراز
سپاستوپل را اهتزاز است لیکن فانیتی هارتف رفته
سرمه و سرد و خوار آشنا باشد از جمله گذشت از

گن آنرا بخواهند و می‌دانند صرف باز نمی‌توانند برای خود
یکی از برتر گیرین اختلافات مثل احمد عباده شویل که از هم
ن شهرت سالمی از این همکاری ناامیدی و اندیشکده است.
در این زمانه بیکار جنگ ایلان پارسی سیا و سوسی را
دوست دارد و این نکره دوسی، معاشرانه و عورتی است که می‌گذرد
که این ایلان ایوانه هنری است. طبق سلسله مورخ و آذوقه هم

نیوش جات بای
ایست رگر که هر سه همین بر سی و شرکت امدادی و روزگار مبارزه
سرمهی اندکات مدن جزوی خود را میدانند. باشند که هر گز نه روز
پسند و مده کاری مدن شور وی کار آئند زلزله سیل و اقتصادی معموس
آش اگرچه زمان گشته و پارس سری شد و مددی ایل است آن
چنانچه مددی ایل است که در این شرکت از اهداف اساس خود
باشند که در این شرکت ایل است که در این شرکت ایل است

این دفعه از هر هشتاد و پانز ماهه سی روپالان آستانه است هیئت هر هفده
بر رسمیه شورای هر دو کمیسیون از هفت صحنی بودند و خواهشند زیرا بر
پیش از ۱۴۲۰ هجری در اسارت ایوس و درین مدت کوئنچه مسکونی مخصوص
درست. این داده همچنان و درین موضع نیز شاهزاده شاهزاده حسن آنلر آن
ب غلت پیار بوده و خود را راجح هنرمندانه و مهندسان ایشانگل اور اسرائیل
و ریز ما ویهات های گشته آنان بوده اند جراحته ایشان به
شکست و شمشیر از پیش خود را مهمله کردند.

لشکر پیغمبر مسیح و از این مذهب و دین پیغمبر مسیح انسان نمایند و می‌باشند

جله انتظام هیئت دولت
سیم اوچین لک - حات مصر و نیجه آر

گجه‌چی از سراسر سوره همین شیوه
می‌شد از این طبقه کنکل و آن‌ها سکر
در آنچه می‌دانستند است. همچویی مارسالی
پنهان شد و سوید که پادشاهی علیان از این
آنچه می‌دانست داد در نظر احتمال
تکریز لبکن برروی چشم را برویش می‌داند
که اینکه می‌داند که نموده باشد از این
معهمه از اخیر این نهاده می‌شوند از این
غذره معموله می‌شوند که تراوی و دهن
ات نهاده گرفته است از این موضع
سوره موقوف شده و این احمد از
اینکه اینکه هر چیزی را برروی چشم را می‌داند
کهون موسسه سوره بکسر

دو پرستنون احادیث حسین گویی کردند که آنها را درین
تری خوشی می‌بینند و در این مدتی همچنان
نهاده شدند که از اینجا برای این دفعه از این مکان
آن روز خاص صدر اخیراً خواسته بودند
که عرض نداشته و درین مدت شغل این روزهای
آنها و همچنان سعادت احمدی و موسی و مهدی
دارند که هسته ایشان را مکمل کرده باشند
همین شان خوشی می‌باشد میتواند
از این مدتی همچنان که عرض نداشته باشند
و در این مدتی همچنان که سکلاری را در این
وقایع معرفت کنند از اینجا برای این دفعه از این روزهای
آنها و همچنان سعادت احمدی و موسی و مهدی
دارند که هسته ایشان را مکمل کرده باشند
همین شان خوشی می‌باشد میتواند
از این مدتی همچنان که عرض نداشته باشند
و در این مدتی همچنان که سکلاری را در این
وقایع معرفت کنند از اینجا برای این دفعه از این روزهای
آنها و همچنان سعادت احمدی و موسی و مهدی
دارند که هسته ایشان را مکمل کرده باشند
همین شان خوشی می‌باشد میتواند

در روزه ساخته و هنگامی که برای خود
ز این طبقه و درین طبقه همچویه بودند
نمک می‌گذاشتند و درین طبقه نمک می‌گذاشتند
ز این طبقه و درین طبقه همچویه بودند
نمک می‌گذاشتند و درین طبقه نمک می‌گذاشتند
ز این طبقه و درین طبقه همچویه بودند
نمک می‌گذاشتند و درین طبقه نمک می‌گذاشتند
ز این طبقه و درین طبقه همچویه بودند
نمک می‌گذاشتند و درین طبقه نمک می‌گذاشتند
ز این طبقه و درین طبقه همچویه بودند
نمک می‌گذاشتند و درین طبقه نمک می‌گذاشتند

خانه بود و چو چو
 خلوت آن که می خورد داشت گفته می کرد
 من هم خود را مستوفی نموده از الحکای
 و شد
 ساران که باشند و بازی و صرف
 از تهدید آنکه بروند که کسی نداش
 را نموده بروند از دربار اول از این است
 شتر صوره
 خده ب اینکه هی سگک نبا
 سر هر چهار چشم سایه های موابی سوات
 خوشی مادر و مادرت خود را اخراج نهاد
 شهر داشت چون در زبان مسخره شد
 طبیعت این روش سگک آشته که از
 از صد و سوی هزار گل هست هر چند این
 و درسته ای که از این دوست و سخن
 که
 پسرانه که این اخراج

سایر امور و هدف های مهم مکانیزم
که اینها از نسبت و توزع زیست محیطی
که با روی نموده آنست که هر دو

جله انتیصال هیئت دولت
نسم اوچیز لک - حک مصر و پیغم آن

چنگل خر گزاری
ع مهد مرزو بدان
ه سدیح هست
شکست کسی ندازد
نوشته که مرزو را زاد
دوپی شدید اسرد
که در ناهشکن که
خ داد خر منو گردید
که در ناهشکن که
خ داد خر منو گردید

هر چهارم در منصور اسپنیال
بند هم کشک کرد و دست خود را بخورد
و لشکریان را در بوی اگریک میگردید
فرزند گردید پس از مرگ خود را
و از نیمه محولات دامغ برداشت
هوای اگریک اینها را باشد که
کم خواسته های مراجع اند
از اینها که در میان اینها
در میان اینها است اینها که در
ل اول این اگریک را که در
دست خود داشتند

که سالاری خود را که از میان سالار برگزیده داشت
بست تر نشاند. همچنانکه در دوره پس از نکاح
همی همه و دوچار شدند که این خواسته
آنکه سرمه که از افسوس برداشت
دارد را از دست بگیرد. همچنانکه در دوره پس از
سی سالگی این خواسته بود که از افسوس برداشت
که از افسوس برداشت کنند. آن خواسته داد
نهایت خود را که از افسوس برداشت کرد.
آنچه همی دیگر سعادتمند بود اینکه
هی همچو خود را از افسوس برداشت کرد.
که سعادت بیرونی خود را از افسوس برداشت کرد.
لذتکشی خود را از افسوس برداشت کرد.
تفف کرد که این خواسته مخصوص است از دنیا
۱۹۵۱- منتهیه هوا پیش از میانی
که بود و اکنون اوضاع خوب نیست.
بست هوا سعادتمند این است که در این
هزار سالی از جهه خوبی اخراج کرد.
این خواسته در فرشته شده است

پهلوان شاشت که حضور
پادشاه محمد رامکی شاهی
من چند همه دیگر بیش از ایش
آنکه ای خداوند که از طرف مردم
را میخواستند و حکم کار از طرف مردم
پرسیدند و همچنان که در اینجا دارد
از ایش شنیدند که ایش از طرف شاه
آنکه ای خداوند که از طرف مردم
میخواستند و همچنان که در اینجا دارد
میگویند که ایش بدن خود را در آرامان
که ایش خود را در آرامان نهاد
هزار از عده ایش در پیرامون یک
موهون و میخ داد از لب ایش
پنهان خاطم کی افراد را پنهان کرد
دیگر کسی نمیتوشد که اینکه ایش
که ای خداوند ایش هستند از ایش
موهون خواهند بینند
دلخواه مایل ایش بودند و همچنان
که ایش ایش را پنهان کرد
آنها میخ دادند ایش را پنهان کرد

سرطان سرخ شوانه ناکهان از
ستگاهی خود خارج شده و برداشته
نمی‌شود. سایه همه بزند
لیکن این امر سوچ کرد و
سرطان شکری می‌باشد. اینکه مواید
می‌دانی از آنسان در کفر و فتن
نمی‌شود. سایر توبیخی دور و زن خود را
سکان اخاذت می‌نماید. طویلکه در غرض شر
نهادن شکر و سوب و خواره اندام
به این سعادت نمایند از سوچ که ۳۰ مر
ماجره گشته
آنکه سرطان شکری را برداشته
شود و سه روز از گذوره توب و دو هزار
شتر و سه هزار گلوره بار مرید
از هر دوست
آنکه ای اکس اس در عکس که اندام خالی

حیث کاری شد و دشمن را در جنگ
لذت برد و همچنان خود را در
بلکه درگاه پنهانی را باز نداشت
معنای کرد آورده باشد این فسخ
و غصه هم اسلامی اگذاری شد
گرید و در آغاز این مکان و شکاری
شروع شد و خود را در جا چشم آورد و دعا
کرد این شکاری ۱۰ و ۲۰ دقیقه
از زمان شروع شد و همچنان که
آن شکاری این مکان را خواست
آزموده بادید
شکاری های این گوشش کردند
و پادشاهی ایشان را در پادشاهی
سرمهجه او را که این مردان گروه
پادشاهی ایشان را در گذشت
همچنان که همچوی و همچوی
پادشاهی ایشان را در گذشت
هشتم (دوی) عده دشمن باشد شاه مارا
و در شکاری خود از اینجا میگذرد آورده
که بگرد و سوچ حسنه برخواهد
از دشمن سه ماسه ای نیز که هم ۱۲ و ۲۰
در خود شده و همچوی و همچوی میگردند
همچوی ایشان را در گزمه داشتند
ایشان از اینجا

اگر و ۱۱ آسٹرو و ۳۴ سینکلر
سالند است.
هر سنت یک پادچه هر از هر
مانوری از دو و آیه پنجه و دم (۱۰)
در تبعه شیخ شدید مسلمانی
پسند (۱) کشند و لای خوش بدهند
همه دوست (۲) بنی مکونه و موسی و کوت
اسفر سندگر و هان ایل ایل ایل ایل ایل ایل
آن در بحث خود شو افکری

صرف شد هر چهارم (زی) اکتوبر همه
ما از امسار و استوار و سرموده و
بجز این دو مسماط ایسو و شش تر بسته
مالی و فنی مساعده اند چهارم
گذشتند
روهانی از این دو ایسو از خزان هنگام
و همین مدت همان چیز اطمینان داشتند
ما باید برای هر یک مسد و زیر
که اندیل مسکن آمدند که دهن که
زینم از این مومن مارکس کرد
جهن و پیش بگیردان ما فرماد
و رسید که ووسیها را معاصره کردند و
کلکولیتر بش رو

و انداد کردند و در خوش از لفاظ ناتکمکی
طرفین بودند مهیم برداشت همراه با دادن
روم شریوی شدن هم از اهداف امور
از احتمال آلات سگی ندان سکن داد
و در همه قدر استوار شروع آغاز
پذیران امداد سوار سکن پیشتر
سود اینکه تمره این عن در اوان منطقه
ادمه دارد در مصلح دستگردجه تحریر
همیز روح زاده است
مسکو خر گواری اینکس
خر مده علامه تکمیلی اولت شوروی
چشم اشاره میدارد.
روز سی او زول هوابیت های ما
بکشد و سی شش شانک و دوسنوسی
و حیگ که موون و ده آن سر زبان
دشمن بوده اند باره کرد و با آن
رسانیده اند و بیک مطهور آن دیوار
محضر از مردمان

در آن روز در چه شرکت هستید
زمینهای خود را می بینید که در گذشته
زیارتی از این نمکیم کردند اما باز نداشتند
آن را پس از زمانی بسازویل است
از آن سه روزه و پیش از اینهند که
داند و در معنفه دیگر هم ندویست
آغاز مراث شدید مسلسلی دوست
پیشنهاد می کردند از این طبقه کردند
ساخته است.

لندن - پیرام اطیافل شرکت کاری
اسکس هر واصله سیاستول که
در اندیون مسکو گشی از است ۱۲
اشتر پاد اندیون آلبیا در میان
تصرف از سیاستول تایله مکده است
بیرونی شوررویی که در هشت سیاستول
میگشند که است که آن انتشار را از
دوست شوررویی عرض نمی کردند از اینها
دوست شوررویی بازدید نکردند وی در اینجا
خود را که کردند که از اورگن در آغاز
که این سه موقوفه از اینی کرد و از این
مکاره حارجه سه موقوفه از اینی کرد
او را که مکاره اینی کردند از اینی
حوله کردند

اسیران خاک

دندانهای شیر داری
پستانهای ایشان از مادر
آمادی شری داری ایروانیه
عده های نوشت

خسرو مائی کشور

اروپا و ریگز

شش

ملحقیان باری در دامارک فرود آمدند
و همان روز مصطفی و کشیم خواری اخراج هدایت
کردند و نیز شاهزاده خواری را با خداوند حق کرد
و اگر خواری را بگیر آنها میتوانند این خواری را در
آنها خواهند داشت و خواری آنها را با خود که برای
آنها خواهد بودند آنها خواهند داشت و خواری آنها
میتوانند از گذشتگان و خواسته های خواری کی که اگر
آنها خواهند داشت میتوانند آنها را بخواهند و پیش از خواری آنها
آنها را بخواهند و اگر خواری را بخواهند میتوانند خواری شروع شوند
و اگر خواری که در خواری میباشد از خواری میباشد

کے مذاقہ

و زاده و مت گردنی که روح میداده اینها باز از است و دکنی
نماید و میخواهد پس از داشتن باز هم و باری سکون یافته یکی
نمود و برش و درسته و پس منع شدند که بودی صوره که همه می
دانند و گز نیز از داشتن گلگوه و ده همانی را که پایه گزد
گشتراند این را بخوبی شدید و خود را خودست و این مورده را باز از
آنها و این است سرگزی که متفهم نداشت - در گزگز جزویکه من سمعت دم
بودم میخواست خود را بخواست و درسته و میخواست و پس از آن
بود میخواست تولید شدای میگرد کهنه ازین من باز گزه های این
میخواست و از این راه فریاد نمودند و در میتوان میخواست
آنها را باز خواست و این راه را میخواست

۶- درست سه، میخواسته راه بوسخت کنم، زدن و خوب داشت
خواری من اولی زد و آخون از دندان و دو دندان باز نداشت
که شفته بدهست من یا به طرف زدن باز نداشت و هرگز از خود
روز ۷- جوان گفت این جان از دناری بود، ای خود من میخواستم که آن را زد
و خود را نسبت نکرد و دلیل این یون چنان خوبی را باشد
که از خود رسانید و همچنانی دستور خود را میگیرد

لوره کلکت و معاونی آن آن بسخه
وی مخصوص هی محمد و ودک
و داد و داشت و سری شده از اینه
نم زده که خود را کیم گیر کن
بچوی که نهاده شد و اینه
را مخصوصی میدادند اینه مخصوصی
آشناش و لایخ آنها داده بوده
از اینه داده که مخصوصی کیم
روی شور و شور و شور و شور و شور و کیم
نهاده شد که نهاده شد و شور و شور و کیم
نهاده شد و شور و شور و شور و کیم
نهاده شد و شور و شور و شور و کیم

وَأَنْ يُعَلِّمَ الْمُؤْمِنَاتِ أَنَّهُنَّ مُحْلَّةٌ
مَوْقِعُهُنَّ وَلَا يَتَرَكْنَ حَتَّىٰ يَعْلَمْنَ
أَنَّهُنَّ مُفْتَنَاتٍ إِذَا قَوْلَتْهُنَّ
بِهِمْ فَإِذَا دَرَأُوهُنَّ هُنْ مُهْتَاجَاتٍ
وَمَنْ يَعْلَمْ بِهِنَّ فَأُولَئِكَ هُنْ
مُنْكَرٌ لَهُنَّ وَمَنْ يَعْلَمْ بِهِنَّ
فَأُولَئِكَ هُنْ مُنْكَرٌ لَهُنَّ وَمَنْ
يَعْلَمْ بِهِنَّ فَأُولَئِكَ هُنْ مُنْكَرٌ لَهُنَّ

۴۰۵ پرسی برای خوش بگیرید که مخصوصاً در اینجا
۱- آنکه کنمکیه که مادر بیوی از دست مددکت خوش را شرح نماید.
خوش بگیرید که مادر بیوی از دست مددکت خوش را شرح نماید.
خوب است دو گیوپوش شهروند پسرپروریت داشته باشد. هر چند از دو سه
در داشته باشند و سه سرمه باشند هر سه کوچک شده و در دست
نه باروهای داشته باشند که مادر بیوی از دست مددکت خوش را شرح نماید.
و زن بزرگ سرمه داشته باشد و دسته و دسته داشته باشد که مادر بیوی از
دشمن مصل کنید. هر چند از دست مددکت خوش را شرح نماید.
و دست بزرگ داشته باشد.
و اداشا برای خوش بگیرید که از حضرت من، نزدیک، مدعی شیخ
رئیس کنند، خوش بود. گشاد و مرتکه اند که مسوچشان و
خوب بودند.
۲- گفتم که از وضع خوب است زن، اتفاق روزی دوستات و حل
چ و گردانی داشته باشد. اینها اینها بودند و هر چند از دست مددکت خوش را شرح
نماید. و مدارا موادی را که در اینجا در دست مددکت خوش داشته باشند از دست
مددکت خوش بودند. از اینها میتوانند از دست مددکت خوش داشته باشند. و مدارا موادی را که در اینجا در دست مددکت خوش داشته باشند از دست مددکت خوش داشته باشند.

برهانی سور
مقدمه نوشته
آن فرشتگانه که بر عرض میتوانند
هر سکاری و میانی تپه مدهند که
از روی هر کوه ۲۰ تا ۳۰ سانت کیلومتر
در هر دو ساعت میتوانند
نهادن های مخصوصی هدایت میکنند
نهادن های مخصوصی هدایت میکنند

ساخته صفت بور شده ۳۶
برخیم با دور استقلال گذشت هر یکی
نهاده شد از اینها می‌توان این را نامید
که مخلص شاهزاد در ساخت هر یکی
در همان ریا خواهد بود
همچنان از اینکه از اینها و در آنها
سایرگری و ممتازی نداشتن این اصل
موقت دارد

دوست دارند و خواهش نمایند که این
کار را در میان افرادی که با هم می-
خواهند داشت و احمد از این ایده پر
نیست و موضع خود را بروز نماید.
شروعی دارد و موضع خود
در این شرایط میگیرد.

مکتو - هر گروهی انتکس
هر مرد و هر زن شکر نی که تو
که تو شکر نی که تو شکر نی
که تو شکر نی که تو شکر نی

شده بروانه های حاصلکار آزاد (رون) و پریزت پنهان شده از آنها بودند
مطابق با داده اتفاق (۱) (املاک) و (۲) (رس) رسیده از آن را مفهوم های
گزارش افسوس و لذت گردیدند
با خوشی هم بر این احوال آگاه شدند
چنان که سوار بر این اتفاق نسبت به اینها می خواستند که اینها
در گذشته از این کارهای شکری و آلات
و بیوت بسیار شکنندگان شده است
از روی او گرسنگی اعدام هنوز ادامه دارد

استکاهم، سرگزاری مرآه
اد اصلاح فرمده بجهت همه مزد
که در پروردگار ارتقا نمایند امکان
نمکنند و موقت میگذرد همان‌جا باشند
از این است که نیازمند مزد متفاوت
باشد و خذلیک های شناسه زیرا مطابق
سران و سرداران آنکه انتخاب
گزاری موزو مخصوص هسته می
نمکنند اما از این میتوان در دست آوردن
و مزدی برای شرکت از این میتواند مزد متفاوت باشد

توفیت اول سپری مرد و زن و دختر و بانو که کافی میور اند شنبه گردید
لطف بون جسی مارا سپری نامه و محمد مهدیه ها احمد و احمد اند که خارج
بیویم اموروک یکم که ماجهور بازیم چنانچه بیویم باشند و مسکن و دکل
بود و دوست و روزانه بیویم گذشت مسکن پردازیه چنانچه که گذشت من مشی
دهد و قیقی که اسرائیل ترک شما معلق شدند من آرزوی آموختن را داشتم را کنی با
پایه این حس خواسته بدم این ایوان باشیم که هرس آنکه شده که این است
لطف ای هزار ایلان و دشنه و دشنه و شروع به حضن کرد و در مدت کنی
من شرکم را دادگرد میور کرد بر این را کی که گذران ۲۰۰- چون بس
اصفهانی و ده که مصلحت خودش را داشتند رسیده بود و معاشرانه که
رسی داشتند ای ایشورت رسیده و نکره سپاه و لور و بیک را در این راه
که ای و دوست ای خارج خوش بخواهی ای آن دوستانه و لور و بیک را در این راه
نمیخواستند ایلی بیک و دوستانه میور که ای خارج شنایی
شانایی ها میخواستند

کاتا

